خبر

سرلشکر موسوی: نبرد ۱۲ روزه نشان داد پدافند غیرعامل ضروری و تکلیف ملی است

رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در پیامی ضمن گرامیداشت ایام پدافند غیرعامل گفت: با توجه به عبرت‌های نبرد ۱۲روزه استقرار اصول پدافند غیرعامل در زیرساخت‌های حیاتی، نه‌تنها ضرورتی راهبردی، بلکه تکلیفی قانونی و ملی است. در متن پیام سرلشکر موسوی، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، آمده است: «ایام نکوداشت پدافند غیرعامل در سال ۱۴۰۴، با شعار «پدافند غیرعامل؛ تاب‌آوری زیرساختی، پایداری اجتماعی»، بستری ارزشمند برای بازخوانی جایگاه راهبردی‌ترین، علمی‌ترین و صلح‌آمیزترین گونه دفاع ملی فراهم می‌آورد؛ دفاعی که با تکیه بر تدابیر پیشگیرانه، هوشمندانه و غیرمسلحانه، بنیان امنیت پایدار کشور را در برابر تهدیدهای نوین و ترکیبی مستحکم می‌کند. پدافند غیرعامل، نماد عقلانیت دفاعی و دوراندیشی راهبردی در صیانت از اقتدار ملی است. تجربه‌های تاریخی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در دوران دفاع مقدس، ضرورت این نوع دفاع را به عنوان رکن مکمل امنیت ملی اثبات کرده‌اند. امروز نیز، تجربه جنگ تحمیلی ۱۲روزه بار دیگر نشان داد که تهدیدها می‌توانند در قالب‌های پیچیده و ترکیبی، با سرعت و شدت بروز کنند و فقط ملت‌هایی که از زیرساخت‌های مقاوم، آمادگی همگانی و انسجام ملی برخوردارند، توان ایستادگی و حفظ ثبات را خواهند داشت. پدافند غیرعامل، ستون فقرات تاب‌آوری زیرساختی و پایداری اجتماعی کشور است؛ زیرا بر اصول سه‌گانه «پیش‌بینی، پیشگیری و پیش‌دستی» در برابر تهدیدات انسان‌ساخت بنا شده و با هدف کاهش آسیب‌پذیری و استمرار خدمات حیاتی، به عنوان راهبردی‌ترین شیوه مقابله با جنگ‌های سایبری، زیستی، شیمیایی، پرتویی، ترکیبی و فناورانه شناخته می‌شود. دستاوردهای بیش از دو دهه مجاهدت متخصصان پدافند غیرعامل که با تدبیر فرمانده معظم کل قوا بنیان نهاده شد، امروز به گفتمانی علمی، نظام‌مند و مبتنی بر تجربیات دفاع مقدس بدل شده است؛ گفتمانی که نقش‌آفرینی مؤثری در ارتقای پایداری زیرساخت‌های حیاتی، نهادینه‌سازی فرهنگ پدافند غیرعامل در دستگاه‌های اجرایی و افزایش آگاهی عمومی ایفا کرده است. اکنون، با عبرت‌های نبرد ۱۲روزه و در پرتو قانون تشکیل سازمان پدافند غیرعامل، ورود مؤثر این حوزه به برنامه‌ریزی ملی و استقرار اصول آن در زیرساخت‌های حیاتی، نه‌تنها ضرورتی راهبردی، بلکه تکلیفی قانونی و ملی است. تحقق این مهم، زمینه‌ساز ارتقای تاب‌آوری ملی و تضمین پایداری در برابر تهدیدهای آینده خواهد بود. هفته پدافند غیرعامل، فرصت مغتنمی است برای تجلیل از پیشگامان این عرصه؛ از جمله مرحوم سردار سرلشکر سیدحسن فیروزآبادی، شهید والامقام سپهبد محمد باقری و دانشمند شهید محسن فخری‌زاده که با بینش راهبردی، ایثار علمی و تعهد ملی، مسیر خوداتکایی و پایداری کشور را روشن کردند. همچنین شایسته است از تلاش‌های تمامی کارکنان سازمان پدافند غیرعامل و سایر مسئولان کشوری که با همکاری و همراهی خود این نهاد را به یکی از ارکان راهبردی امنیت ملی بدل کرده‌اند، صمیمانه قدردانی کنم. در پایان، ضمن گرامیداشت ایام نکوداشت پدافند غیرعامل و تقدیر از کارکنان خدوم آن سازمان، باور دارم که رمز ماندگاری و پایداری جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدها، در حفظ هویت اسلامی، انقلابی و انسجام اجتماعی آن نهفته است و صیانت از این هویت، تکلیفی دینی، ملی و راهبردی است».

رابرت مالی: اسرائیل قادر به مقابله با موشک‌های ایران نبود

نماینده پیشین آمریکا در امور ایران در گفت‌وگویی ضمن گفتن اینکه ناتوانی رژیم صهیونیستی در مقابله با موشک‌های ایرانی عامل مهمی در برقراری آتش‌بس در جنگ تحمیلی علیه ایران بود، با بیان دیدگاه خود درباره طرح صلح «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا برای غزه، آن را طرحی با شبهات و عدم قطعیت دانست که به مداخله شدید خارجی وابسته خواهد بود. به گزارش ایسنا، «رابرت مالی»، نماینده ویژه پیشین آمریکا در امور ایران که در مذاکرات هسته‌ای ایران نیز مشارکت داشته است، در گفت‌وگویی در پاسخ به اینکه با توجه به مشارکت مستقیم دولت «دونالد ترامپ» در حملات متجاوزانه رژیم صهیونیستی علیه ایران طی جنگ تحمیلی آیا از تصمیم آمریکا در این زمینه متعجب شد و چگونه آن را در چارچوب سیاست دونالد ترامپ تفسیر می‌کند، گفت: در مورد رئیس‌جمهور ترامپ، در عین اینکه همه‌چیز تعجب‌برانگیز است، هیچ‌چیز من را متعجب نمی‌کند. شما اظهارات روزانه او را دنبال می‌کنید، سپس یک روز خلاف همه حرف‌هایش عمل می‌کند. من فکر می‌کردم او واقعا به یک توافق با ایران علاقه دارد. ارتباطات مستقیم بیشتری بین دولت ترامپ و دولت ایران نسبت به دولت بایدن وجود داشت. نقاطی برای گفت‌وگو وجود داشت. از سوی دیگر، پایگاه انتخاباتی او به‌شدت مخالف مداخله نظامی بود. اما چه شد؟ راب مالی در گفت‌وگو با «آلن گرش»، روزنامه‌نگار فرانسوی، گفت: ترامپ آدم بی‌طاقتی است. او توافقی در عرض سه ماه می‌خواست و به آن نرسید. البته این ممکن است از سوی نخست‌وزیر اسرائیل، «نتانیاهو»، به او پیشنهاد شده باشد که دلیل آن در فشار نظامی ناکافی نهفته است. شاید ایده یک حمله چشمگیر علیه ایران با استفاده از یک بمب فوق سنگین برای نابودی تأسیسات اتمی فردو که برای اولین بار توسط ایالات متحده انجام می‌شد، به نظر او جالب آمده باشد، به‌ویژه آنکه در روزهای اول، عملیات اسرائیل موفقیت‌آمیز به نظر می‌رسید. اما در عین حال او تلاش کرد جنگ ادامه نیابد. دیپلمات پیشین آمریکایی در توضیح این گفته آلن گرش که به نظر می‌رسید «بنیامین نتانیاهو»، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، می‌خواست جنگ را ادامه دهد، با اشاره به ناکارآمدی سامانه‌های پدافند هوایی رژیم صهیونیستی در رهگیری حملات موشکی ایران گفت: یک عامل دیگر نیز در کار بود؛ اسرائیل توانمندی‌های نظامی برای مقابله با راکت‌ها و موشک‌های ایران را نداشت و فاقد موشک‌های رهگیر بود. این هم به پایان جنگ کمک کرد. مالی افزود: حالا آیا این فقط دور اول (حملات) بود؟ آیا دورهای دیگری هم در کار خواهد بود؟ این به‌کلی بستگی به چیزی دارد که در سر رئیس‌جمهور ترامپ می‌گذرد. به نظر می‌آید او مصمم است به توافقی با ایران دست بیابد. او هر روز می‌گوید این توافق در دسترس است و اصرار دارد که تهران از طرح او برای غزه حمایت کرده است. حملات متجاوزانه رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران از ۲۳ خرداد ماه (ژوئن) آغاز شد. در این حملات تأسیسات اتمی، مراکز نظامی و حتی اماکن غیرنظامی، از جمله محله‌های مسکونی، مراکز درمانی و زندان اوین در تهران هدف قرار گرفتند. جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی منجر به شهادت فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان هسته‌ای و غیرنظامیان شد. ایران طی عملیات «وعده صادق ۳» به این تجاوزگری پاسخ داد که با وجود سانسور شدید سازمان‌یافته خبری، گزارش‌ها حاکی از عبور موشک‌ها و پهپادهای ایرانی از پدافند چندلایه رژیم صهیونیستی و اصابت به اهداف معین راهبردی، نظامی و امنیتی این رژیم در اراضی اشغالی بود. این حملات در میانه مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا با میانجیگری عمان درباره توافقی برای محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران و لغو تحریم‌های آن انجام شد که تهران آن را «خیانت به دیپلماسی» خواند. واشنگتن از همان ابتدا به اطلاع و حمایت کامل از این حمله اذعان کرد، سپس در اول تیرماه با مشارکت نظامی مستقیم در این تجاوزگری، تأسیسات اتمی فردو، نطنز و اصفهان در ایران را با بمب‌های سنگرشکن هدف قرار داد. ایران در پاسخ به این تجاوزگری طی عملیات «بشارت فتح» پایگاه هوایی «العدید» آمریکا در قطر را هدف حملات موشکی قرار داد. رابرت مالی در ادامه این گفت‌وگو با مقایسه رویکرد ترامپ و «جو بایدن»، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، در سیاست خارجی این کشور گفت: یکی از چیزهای قابل توجه درمورد این دولت در مقایسه با دولت قبلی این است که ترامپ هیچ خط قرمزی ندارد؛ او می‌تواند با ایرانیان، با حماس صحبت کند، می‌تواند به ونزوئلا فشار آورد و... . این در مقایسه با ترسویی دولت بایدن قابل توجه است. البته این موضوع هم نقطه قوت و هم ضعف این رئیس‌جمهور است.

گزارش «شرق» از هشدار نخبگان سیاسی و نظامی درباره پیامدهای تندروی و بی‌اخلاقی در عرصه سیاست داخلی

طناب پاره انسجام

موسی موحد: علی لاریجانی در بخشی از سخنانش که هفتم آبان‌ماه در دیدار با برخی از اصحاب علوم انسانی مطرح کرده، هشدار داد: «برخی از زعمای سیاسی کشور هنوز حساسیت و خطیربودن موقعیت فعلی را درک نکرده‌اند و به‌راحتی با یکدیگر جدال می‌کنند. این موقف نیازمند گذشت و بزرگواری است. نمی‌گویم حق ندارند، اما گذشت زمانی معنا دارد که حقی وجود داشته باشد». دبیر شورای‌عالی امنیت ملی متذکر شد: «در این شرایط باید از اختلافات عبور و برای تقویت انسجام ملی تلاش کنیم». این بخش از سخنان اخیر علی لاریجانی در دیدار با جمعی از اصحاب علوم انسانی را می‌توان یکی از جدی‌ترین و در عین حال صریح‌ترین هشدارهای سیاسی ماه‌های اخیر دانست؛ هشداری که نه از موضع رقابت جناحی، بلکه از زاویه نگرانی نسبت به آینده نظم سیاسی و انسجام ملی بیان شده است. او به‌درستی تأکید کرد: «برخی از زعمای سیاسی کشور هنوز حساسیت و خطیربودن موقعیت فعلی را درک نکرده‌اند و به‌راحتی با یکدیگر جدال می‌کنند»؛ جمله‌ای که بیش از آنکه توصیف وضع موجود باشد، آیینه‌ای است از بحران رفتار سیاسی بخشی از جریان‌های تندرو در مجلس دوازدهم. لاریجانی در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی، سخن از ضرورت «گذشت» و «بزرگواری» به میان آورد، اما در همان حال تصریح کرد: «گذشت زمانی معنا دارد که حقی وجود داشته باشد»؛ جمله‌ای که نشان می‌دهد او بیش از هر چیز از بی‌اخلاقی و فقدان درک مسئولیت در میدان سیاست نگران است. در واقع، این سخنان را باید پاسخی غیرمستقیم به جریان‌هایی دانست که در هفته‌های اخیر، چهره مجلس را با رفتارهایی حاشیه‌ساز، تند و گاه غیرمسئولانه مخدوش کرده‌اند؛ رفتارهایی که از تهمت به رئیس‌جمهور پیشین گرفته تا تهدید وزیر امور خارجه اسبق و افترا به چهره‌های فرهنگی و سیاسی کشور را در بر می‌گیرد. مخاطب لاریجانی به‌روشنی مشخص است؛ رادیکال‌های مجلس دوازدهم، آنان که تصور می‌کنند سیاست یعنی جنجال و مطالبه‌گری یعنی حمله، تهدید و تحقیر. این هشدار، دعوتی است به بازگشت عقلانیت به سیاست و یادآوری این حقیقت که جامعه ایران در مرحله‌ای از پیچیدگی و بحران‌های درهم‌تنیده قرار دارد که هرگونه افراط‌گرایی و نزاع درونی، جز تضعیف سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

این روزها رفتار تندروهای مجلس دوازدهم به صحنه‌ای آشفته از بی‌اخلاقی سیاسی بدل شده است. آنان به همه چیز و همه کس چنگ می‌زنند، تهمت می‌زنند، تهدید می‌کنند، افترا می‌بندند و بی‌پروا توهین و تحقیر می‌کنند. فرقی ندارد مخاطبشان رئیس‌جمهور باشد، وزیر امور خارجه، رئیس جبهه اصلاحات یا حتی یک فعال فرهنگی و رسانه‌ای؛ هرکس در مسیر نگاه و منافع جناحی‌شان قرار گیرد، هدف حمله قرار می‌گیرد. گویی برای این گروه، مرز نقد و هتک حرمت از میان رفته و سیاست، نه میدان گفت‌وگو و عقلانیت، بلکه صحنه‌ای برای تسویه‌حساب‌های شخصی و قدرت‌طلبانه شده است.

و در این میان، خطرناک‌تر از رفتار تند آنها، پوششی است که بر آن می‌کشند؛ همه‌چیز را به نام انقلاب و آرمان‌های آن توجیه می‌کنند و پشت این شعارها، خود را از پاسخ‌گویی، نقد و حتی رعایت ابتدایی‌ترین اصول اخلاق سیاسی معاف می‌دانند. گویی فقط آنان میراث‌داران راستین انقلاب‌اند و هر صدای مخالفی یا بی‌اعتقاد است یا خائن. با تهمت و تهدید و تحقیر، هر نقدی را سرکوب می‌کنند و در سایه این مصونیت خودخوانده، به بی‌مسئولیتی سیاسی ادامه می‌دهند؛ حال آنکه در واقع، رفتارشان بزرگ‌ترین ضربه را به همان آرمان‌هایی می‌زند که به نامشان سخن می‌گویند.

در شرایطی که کشور بیش از هر زمان دیگر نیازمند همگرایی و وفاق ملی است، سیاست‌ورزی تندروانه به‌مثابه زخمی تازه بر پیکر جامعه عمل می‌کند. لاریجانی در واقع، پرده از یک خطر جدی برداشت؛ اینکه اگر سیاست‌مداران نتوانند میان رقابت و تخریب، نقد و تهمت، یا مطالبه و بی‌اخلاقی تمایز بگذارند، نه‌تنها راهی به اصلاح امور گشوده نخواهد شد، بلکه سرمایه اعتماد عمومی نیز فرسوده‌تر از پیش خواهد شد.

به مسائل تفرقه‌افکن ورود نکنیم

شاید رادیکال‌ها بتوانند هشدارهای علی لاریجانی را با رنگ و بوی سیاسی و جناحی توجیه کنند و آن را صرفا در چارچوب رقابت‌های درون‌سیاسی تفسیر کنند، اما واقعیت این است که پیامدهای رفتارهای تندروانه فراتر از یک نزاع سیاسی محدود است. هنگامی که چنین تنش‌ها و بی‌اخلاقی‌های سیاسی چنان ابعاد وسیعی پیدا می‌کند که حتی فرماندهان ارشد کشور به ضرورت انسجام ملی و پرهیز از اختلافات داخلی تأکید می‌کنند، روشن می‌شود که اقدامات رادیکال‌ها نه‌تنها قابل دفاع نیست، بلکه می‌تواند به امنیت و ثبات ملی آسیب جدی برساند.

به باور سردار قریشی در گفت‌وگو با ایلنا: «از ویژگی‌های برجسته کشور عزیز ما در دو دفاع مقدس جنگ تحمیلی که با پیشرانی صدام صورت گرفت و جنگ اخیر و تحمیلی آمریکایی-صهیونیستی، این بود که مردم ما با انسجام و وحدت در مقابل دشمن ایستادند و اراده خود را تحمیل کردند. در جنگ موسوم به ۱۲روزه، ما شاهد بودیم که همه ارکان نظام، دولت، مجلس، قوه قضائیه و تمامی سازمان‌ها و دستگاه‌ها، پای دفاع از کشور آمدند و مهم‌تر از همه، مردم ما با وحدت کلمه و انسجام در مقابل دشمن ایستادند و به‌خوبی نشان دادند که از ایران عزیز کاملا دفاع می‌کنند و همه با هم یک حرف دارند». از همین رو بود که جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین با بیان اینکه «ما شاهد بودیم حتی بسیاری از افرادی که خارج از کشور بودند و ذره‌ای غیرت ایرانی در آنها وجود داشت، در مقابل حمله دشمن ایستادند»، تصریح کرد: «رمز اصلی مردم ما وحدت و انسجامی بود که با تبعیت از رهبری در مقابل دشمن می‌ایستادند». از این رو او در سرفصل مهمی عنوان داشت: «به نظر من، هرگونه سخن و هرگونه بیان از طرف هر کسی که به این انسجام و این وحدت به هر بهانه‌ای ضربه بزند، به نفع دشمن خواهد بود».

سردار قریشی با اشاره به این موضوع که برخی تلاش می‌کنند در رسانه‌ها به اشکال مختلف بین مردم، بین جریانات سیاسی و بین نظام، یعنی قوای مختلف و سازمان‌های مختلف، اختلاف بیندازند تا به هدف خود برسند، اظهار کرد: «انسجام ملی و وحدت ملی مهم‌ترین سلاح در مقابل دشمن است که ان‌شاءالله باید تلاش کنیم حفظ شود. من از دولت، مجلس و شخص رئیس‌جمهور تشکر می‌کنم که در دفاع مقدس کاملا در صحنه بودند و در مقابل دشمن ایستادند و الحمدلله این مسیر را ادامه می‌دهند».

جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین در پاسخ به این سؤال که آیا در حال حاضر اقدامات دولت را در زمینه دفاع ملی مثبت ارزیابی می‌کنید، تصریح کرد: «بله؛ دولت به وظایف خود عمل کرده است، البته دولت وظایف دیگری نیز دارد یعنی وظایف دفاع مقدس با وظایف دیگری که در قبال مردم دارد، یکی است و هر دو برای مردم است. دولت هم درباره دفاع مقدس و هم در ارائه خدمات به مردم وظیفه خود را به‌خوبی انجام می‌دهد».

سردار قریشی در بخش مهم دیگری از گفته‌هایش به انتقاداتی که در موضوع حجاب و عملکرد دولت در این حوزه فرهنگی مطرح شده است، ورود و بیان کرد: «به نظر من خیلی به مسائل تفرقه‌افکن ورود نکنیم و نپردازیم. اما به هر حال در کشور ما یک فرهنگ دینی و یک غیرت دینی با یک سابقه چندهزارساله حاکم است که باید همه ما به آن احترام بگذاریم و آن را حفظ کنیم».

خوش‌خیالی تندروها درباره ثبات نسبی و بازگشت به سیاست‌های پیشین

هشدارهای علی لاریجانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و واکنش سردار سرتیپ سیدقاسم قریشی، جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین، بیش از آنکه صرفا هشدارهای جناحی یا توصیه‌های سیاسی باشند، نمایانگر درکی عمیق از شرایط حساس و پیچیده کشور در سطح داخلی و منطقه‌ای است. چنین واکنش‌هایی نشان می‌دهد که وضعیت کنونی نباید فریبنده تلقی شود و تصور بر اینکه تهدید تجاوز مجدد یا جنگ در دستور کار نیست، خطایی فاحش است. لاریجانی و قریشی هر دو، با زاویه نگاه کارشناسی و امنیتی، به اهمیت حفظ انسجام ملی و پرهیز از اختلافات داخلی تأکید می‌کنند؛ هشداری که بیش از هر چیز متوجه رفتار برخی جریان‌های تندرو در مجلس و جامعه سیاسی است.

در همین راستا، پرسش بنیادی آن است که چرا رادیکال‌ها در این مقطع زمانی به چنین رفتارهایی متوسل شده‌اند؟ پاسخ را می‌توان در نوع نگاه آنان به شرایط داخلی و منطقه‌ای جست‌وجو کرد. در هفته‌های پس از آتش‌بس جنگ ۱۲روزه، جریان تندرو مرتبا بر احتمال حمله مجدد اسرائیل و آمریکا تأکید می‌کرد و فضا را به گونه‌ای نشان می‌داد که گویی تهدیدی قریب‌الوقوع در حال وقوع است تا ماهی مطامع خود را از آب گل‌آلود داخلی بگیرد.

حالا با گذر زمان و فاصله‌گرفتن از آتش‌بس، اکنون همین جریان دچار فریب وضعیت و سوء محاسبه شده است؛ چراکه تحلیل غالب در محافل تندرو نشان می‌دهد که آنان معتقدند اسرائیل دیگر توان و جسارت ورود به جنگ مستقیم با ایران را پس از حملات خرداد و تیرماه ندارد. این ارزیابی، در ذهن آنها تصویری از «ثبات نسبی» ایجاد کرده و این تصور را القا کرده است که می‌توان مجددا به سیاست‌های پیشین یا اصطلاحا به «تنظیمات کارخانه» بازگشت؛ سیاست‌هایی که سال‌ها جامعه را به سمت کنترل اجتماعی سخت‌گیرانه و انسداد سیاسی سوق داده است. هم‌زمان با جنجال‌های مجلس، نشانه‌های بازگشت به این وضعیت قدیمی آشکار شده است. از جمله می‌توان به احیای گشت ارشاد تحت عنوان «اتاق وضعیت حجاب» با حضور ۸۰ هزار آمر، تشدید محدودیت‌های رسانه‌ای و آغاز حملات هماهنگ علیه چهره‌هایی مانند محمدجواد ظریف، حسن روحانی و... اشاره کرد. این اقدامات در کنار هم تصویری از بازسازی «اقتدار سخت» ارائه می‌دهند؛ اقتداری که به‌جای مبتنی‌بودن بر خردورزی و عقلانیت، بر مهندسی اجتماعی و حذف سیاسی استوار است.

پروژه‌ای که جریان‌های تندرو دنبال می‌کنند، ترکیبی از مهندسی اجتماعی و تضعیف نخبگان عقل‌گرا و دیپلماتیک است. حذف این گروه‌ها، زمینه را برای بازگشت گفتمان تقابل و امنیتی‌سازی فراهم می‌کند؛ گفتمانی که پیش‌تر، به دلیل ناکارآمدی اقتصادی و انزوای بین‌المللی، هزینه‌های سنگینی بر کشور تحمیل کرده است. این روند نشان می‌دهد که شعارهای اخیر مجلس دوازدهم نه‌صرفا پاسخ به مسائل ملی، بلکه بخشی از یک استراتژی چندوجهی برای بازسازی قدرت از طریق حذف و مهندسی سیاسی است.

هشدارهای علی لاریجانی به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی و واکنش سردار سرتیپ سیدقاسم قریشی، جانشین رئیس سازمان بسیج مستضعفین، بیش از آنکه صرفا هشدارهای جناحی یا توصیه‌های سیاسی باشند، نمایانگر درکی عمیق از شرایط حساس و پیچیده کشور در سطح داخلی و منطقه‌ای است. چنین واکنش‌هایی نشان می‌دهد که وضعیت کنونی نباید فریبنده تلقی شود و تصور بر اینکه تهدید تجاوز مجدد یا جنگ در دستور کار نیست، خطایی فاحش است

حملات اخیر علیه شخصیت‌هایی مانند ظریف و روحانی نیز در این چارچوب قابل فهم است. این اقدامات می‌تواند به عنوان انتقام‌گیری از شکست انتخاباتی سال گذشته و نیز، تضعیف دولت پزشکیان و زمینه‌سازی برای بازگشت سیاست‌های اقتدارگرایانه تحلیل شود. در واقع، این جریان‌ها با توسل به ابزارهایی چون فشار رسانه‌ای، محدودیت اجتماعی و هجمه‌های سیاسی، قصد دارند جایگاه نخبگان عقل‌گرا را تضعیف کرده و فضای قدرت را بازسازی کنند؛ تلاشی که بیش از آنکه دغدغه حفظ منافع ملی داشته باشد، هدفش بازسازی قدرت از طریق حذف مخالفان است. در نهایت، آنچه آشکار می‌شود این است که وضعیت کنونی بیش از هر زمان دیگر نیازمند هوشیاری، تحلیل دقیق و واکنش به‌موقع نخبگان و مسئولان است. بازگشت به سیاست‌های اقتدارگرایانه و تندروی سیاسی، نه‌تنها انسجام ملی و ثبات داخلی را تهدید می‌کند، بلکه می‌تواند مسیر تعامل و اصلاحات را به بن‌بست بکشاند و هزینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سنگینی برای کشور به بار آورد. بنابراین ارزیابی دقیق رفتار جریان‌های تندرو و اتخاذ راهبردهای پیشگیرانه برای جلوگیری از مهندسی مجدد قدرت، امروز بیش از هر زمان دیگر اهمیت دارد.

گزارش

استاندار سیستان‌وبلوچستان: گردنمان را در قبال اختیارات تفویض‌شده، می‌گذاریم

استاندار سیستان‌وبلوچستان با بیان اینکه «استانداران در عهده‌دارشدن اختیارات جدید تفویضی صددرصد آمادگی دارند و شکی در این موضوع وجود ندارد»، عنوان کرد: همان‌طور که آقای رئیس‌جمهور گفتند که گردنم در قبال تعهداتم است، من هم می‌گویم اختیاراتی را که استانداران می‌خواهند، به‌ویژه در حوزه اقتصادی، به استانداران تفویض کنید، گردنمان در گروی این تعهدات است. منصور بیجار در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به مصوبه هیئت دولت درباره تفویض برخی از اختیارات دولت به استانداران عنوان کرد: در کشور با دو آفت بزرگ مدیریتی مواجهیم که یکی تمرکزگرایی و دیگری بخشی‌نگری است؛ تمرکزگرایی و بخشی‌نگری منجر به این شده که با تعدد قوانین، مصوبات هیئت وزیران، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها مواجه باشیم. او با اشاره به تعداد قوانین موجود در کشور گفت: در سال ۹۸ یا ۹۹ بررسی‌هایی انجام دادیم و قانون‌نویسی در فرانسه را به عنوان کشوری که چند سال از قبل از ما قانون‌نویسی داشتند، با قانون‌نویسی در ایران مقایسه کردیم؛ براساس نتایج این مقایسه، تا آن سال فرانسوی‌ها حدود سه هزار قانون داشتند و ما بیش از ۱۱ هزارو ۸۰۰ قانون و بیش از ۲۶۰ هزار مصوبه هیئت وزیران و آیین‌نامه. این وضعیت نشان می‌دهد که با این همه آیین‌نامه، قانون و روش کار نمی‌شود کار را پیش برد؛ چراکه موازی‌کاری و هم‌پوشانی فعالیت‌های دستگاه‌ها مسائل و مشکلاتی را در حوزه کاری ایجاد می‌کند. استاندار سیستان‌وبلوچستان تأکید کرد: تنها راه برون‌رفت از این وضعیت آن است که اختیارات به سطوح پایین‌تر تفویض شود؛ یعنی تمرکز را از مرکز کشور ببریم به مراکز استان‌ها. البته ما در استان خود این کار را شروع کردیم و حتی در حال تفویض اختیارات از مرکز استان به مراکز شهرستان‌ها هستیم تا کار مردم در همان شهرستان محل زندگی‌شان انجام و تصمیم‌های لازم در همان‌جا اتخاذ شود. بیجار درباره تأثیر تفویض اختیارات به استانداران در توسعه استان‌ها اظهار کرد: این موضوع قطعا به توسعه استان‌ها کمک می‌کند. اگر امروز ۱۰ درصد کارها با اختیارات استانداران انجام می‌شود با این تفویض اختیارات، مطمئنا اثرگذاری استانداران از ۱۰ درصد به ۸۰ درصد خواهد رسید. او با تأکید بر اینکه پیشنهاد ما تفویض اختیارات به استانداران در همه حوزه‌هاست، عنوان کرد: طی روزهای گذشته جلسه‌ای با وزیر محترم گردشگری و میراث فرهنگی در استان داشتیم و ایشان در این جلسه اختیارات خود در حوزه گردشگری ساحلی و دریایی را به استانداران استان‌های ساحلی تفویض کرد که در همین راستا تشکر می‌کنم. پیش‌تر حتی برای صدور یک مجوز و یک موافقت اصولی باید به تهران مراجعه می‌کردیم و حتی برای ساخت یک هتل باید یک سال و نیم فرایندهای مربوطه را طی می‌کردیم که مجوز لازم صادر شود، اما با تفویض اختیار صورت‌گرفته از سوی وزیر گردشگری، این اتفاق دیگر در داخل استان رخ می‌دهد.

مناقصه عمومی دو مرحله‌ای خرید یک دستگاه مبدل حرارتی E-0203 و تیوب باندل مبدل حرارتی E-0120

PGSOC
Persian Gulf Star Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام)

شماره مناقصه: PGSOC- LEC- EXCHANGER-TE-02790

شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام) در نظر دارد خرید یک دستگاه مبدل حرارتی E-0203 و تیوب باندل مبدل حرارتی E-0120 از تولیدات داخلی کشور را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای به شرکت واجد شرایط واگذار کند، بنابراین از همه شرکت‌های معتبر دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۰ با ارسال نامه، اعلام آمادگی خود را (مطابق دستورالعمل مکاتبات مندرج در وبگاه شرکت نفت ستاره خلیج فارس سربرگ مناقصات به آدرس WWW.PGSOC.IR) به همراه فیش خرید اسناد را از طریق پست الکترونیکی ارسال کنند.

هزینه خرید اسناد: ۲،۰۰۰،۰۰۰ (دو میلیون) ریال واریزی به حساب شماره ۰۲۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴۸ بانک تجارت با شماره شبا IR۵۱۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۳۹۰۳۸۱۱۳۴ به نام شرکت نفت ستاره خلیج فارس (متقاضیان به منظور دریافت شناسه اختصاصی پرداخت می‌بایست با بخش خزانه امور مالی به شماره ۳۱۳۱۲۶۷۲-۰۷۶، ۳۱۳۱۲۶۳۵-۰۷۶ ، ۳۱۳۱۲۶۶۰۰-۰۷۶ و ۳۱۳۱۳۳۵۷-۰۷۶ و تماس حاصل فرمایند.)

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۲۱،۳۸۰،۰۰۰،۰۰۰ (بیست و یک میلیارد و سیصد و هشتاد میلیون) ریال (درمرحله دوم مناقصه دریافت می گردد)

میزان پیش پرداخت: ۵۰ درصد مبلغ کل قرارداد در قبال دریافت ضمانت نامه بانکی معتبر

مدت زمان تامین کالا : ۱۲ ماه شمسی

مهلت تسلیم پیشنهاد شرکت در مناقصه شامل پاکت «ب» (پیشنهاد فنی) و پاکت «د» (ارزیابی کیفی): ساعت ۱۲ روزسه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱

محل تسلیم پیشنهاد شرکت در مناقصه و محل تحویل کالا: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار صنعت نفت، میدان نفت، شرکت نفت ستاره خلیج فارس، امور حقوقی، حاکمیت شرکتی و قراردادها.

تلفن: ۳۱۳۱۰۰۰۰-۰۷۶ داخلی ۳۷۰۸، دورنگار: ۳۱۳۱۳۱۳۱-۰۷۶، کدپستی: ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳، ایمیل: ir.pgsoc@Legal

روابط عمومی و بین الملل شرکت نفت ستاره خلیج فارس